

در گفت و گو با جاعل حرفه‌ای تشریح شد

# شگرد عجیب برای فروش خودروهای سرقتی

فروختم. این‌گونه وارد تغییر ارکان موتور سرقتی هم شدم.

**۱] روی هر موتور چقدر سود می‌کردی؟**

موتور هوندا ۱۲۵ سی‌سی را هفت میلیون می‌خریدم و با تغییر ارکان به اسم مزایده‌ای ۱۵ میلیون می‌فروختم. موتور ns که ۳۰۰ میلیون قیمت داشت را ۲۵ میلیون می‌خریدم و تا ۷۰ میلیون در شهرهای دیگر در پوشش موتور مزایده‌ای می‌فروختم.

**۲] چرا با این قیمت کم می‌فروختی؟**

چون نمی‌خواستم خریدار شک کند، پیگیر شود و رازم لو برود.

**۳] سند و کارتس را جعل می‌کردی؟**

نه. می‌گفتم موتور مزایده‌ای است و سند ندارد و حالا برگه مزایده هم ندارد. وقتی موتور ۳۰۰ میلیونی را ۷۰ میلیون بفروشی، خریدار دنبال سند و مدرکش نمی‌آید.

**۴] در ماه چقدر درآمد از موتورهای سرقتی داشتی؟**

متفاوت بود. گاهی سارقان حال نداشتند سرقت کنند و گاهی موتوری که من می‌خواستم، نداشتند که درآمد پایین می‌آمد. متوسط بین ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون از راه موتورها درآمد داشتم.

**۵] به سارقان سفارش سرقت می‌دادی؟**

بله. گاهی مشتری می‌آمد که موتور خاصی مدنظرش بود و من به سارق، آن را سفارش می‌دادم.

**۶] نمی‌خواهی بگویی از تغییر ارکان خودرو چقدر به جیب زدی؟**

معمولا خودروی تصادفی را ۶۰ میلیون می‌خریدم و ۲۰ میلیون هم به سارق برای خودروی دزدی می‌دادم. بعد از تغییر ارکان ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون می‌فروختم.

**۷] چطور شناسایی و دستگیر شدی؟**

یکی از دزدان موتور که دستگیر شد، من را لو داد. مأموران شبانه به خانه‌ام آمدند و دستگیر کردند.

**۸] می‌دانی چه آینده‌ای پیش رو داری؟**

نمی‌دانم و جز پشیمانی چیزی ندارم.



سه ماه طول کشید تا کار را از آنها یاد بگیرم.

**۹] چند خودرو را تغییر ارکان دادی؟**

۱۶ خودروی سرقتی را بعد از این کار فروختم.

**۱۰] چند وقت است این جرم را مرتکب می‌شوی؟**

یک سالی هست.

**۱۱] قبلش چه شغلی داشتی؟**

در تاکسی اینترنتی با پرایدم مشغول کار بودم، دیدم درآمد این‌کار چند برابر مسافرکشی است و به همین خاطر این شغل را انتخاب کردم.

**۱۲] فقط جرم تغییر ارکان خودرو انجام می‌دادی؟**

بعد از مدتی گند کارم درآمد و ترسیدم دستگیر شوم، به همین خاطر وارد کار خرید و فروش موتورسیکلت سرقتی شدم. یک موتور از دوستم خریدم هفت میلیون تومان که بعد متوجه سرقتی بودنش شدم. با یک موتورساز هماهنگ کردم و با سنگ‌کوبی شماره‌اش را تغییر داده و

خودروی تصادفی را برای من دزدیده و بیاورند. وقتی خودروی سرقتی را می‌آوردند، تغییر ارکان می‌دادم.

**۱۳] برای جعل سند می‌کردی؟**

نه. تمام ارکان مثل شماره موتور و شاسی تصادفی را روی خودروی سرقتی می‌آوردم و آن را با مشخصات خودرو تصادفی می‌فروختم.

**۱۴] چقدر از این کار درآمد داشتی؟**

خیلی نبود. آن قدری بود که امورات زندگی را بگذرانم که ارزش دستگیری و حبس را نداشت.

**۱۵] چرا این جرم را انتخاب کردی؟**

چند نفر از دوستانم از راه خلاف پول خوبی به جیب می‌زدند، مدتی کنار دست آنها رفتم و جرم را یاد گرفتم.

**۱۶] چقدر زمان برد تا کار را یاد بگیری؟**

**مجید غمخوار** **کاش سندنمره**  
تپش

خودش می‌گوید جز تغییر ارکان خودرو هنر دیگری ندارد. اولین بار است که از سوی پلیس دستگیر شده و راز جرمش را افشا می‌کند. این هفته رودروزی این جاعل نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

**۱۷] چند سال داری؟**

۲۸ ساله هستم.

**۱۸] سابقه داری؟**

نه. اولین بار است که دستگیر می‌شوم.

**۱۹] به چه جرمی دستگیر شدی؟**

سند نمره ماشین.

**۲۰] یعنی چه؟**

یک خودرو تصادفی می‌خریدم. به چند دزد حرفه‌ای خودرو که از دوستانم هستند سفارش می‌دادم که هم رنگ و هم مدل

## همکلاسی‌های سابق سارق شدند

بودیم. عاشق موتور و دیوار مرگم و در موتورسواری قهار هستم. اوایل خودم تک روی می‌کردم اما بعد سه نفر از دوستانم را با خودم همراه کردم. آنها گوشی‌ها را می‌قاچیدند و من سریع با موتورم دوستانم را فراری می‌دادم. ۵۰ میلیون تومان از فروش گوشی‌های دزدی سهم من شد. برادرم بابت سرقت منزل چند شهروند تهرانی، ۱۰ سال در زندان تهران بزرگ بود. رد مال ۲۰۰ میلیون تومانی داشت. خانواده‌ام ۵۰ میلیون تومان آن را جور کرده و پرداختند. من هم ۵۰ میلیون تومان از پول گوشی دزدی را پرداختم و می‌خواستم تا چند ماه دیگر با پول همین دزدی‌ها ۱۰۰ میلیون تومان دیگر هم جور کنم و به شاکیان بدهم تا بعد از ۱۰ سال آزاد شود که خودم گرفتار شدم.

می‌کردیم چون راحت بین سه تا پنج میلیون تومان خریدار داشت. آیفون خیلی گران شده و مال‌خران از ما نمی‌خرند. از این سرقت‌ها ۴۰ میلیون تومان نصیبم شد که برای خودم و دوست دخترم لباس‌های مارکدار خریدم و با گروه‌مان برای خوشگذرانی به شمال رفتیم. این متهم درباره نحوه دستگیری‌اش می‌گوید: با یکی از دوستانم در میدان بهمن قرار داشتیم که به جای او مأموران سر قرار آمدند. با تعقیب و گریز و شلیک به لاستیک خودرویم دستگیر شدم. همزمان همدستانم هم دستگیر شده بودند. یکی از همدستان هنگام فرار هر دو پایش تیر خورد. یکی دیگر از همدستان مهرشاد می‌گوید: سابقه‌دار نیستم. با دو نفر از همدستانم، همکلاسی

مهرشاد ۲۴ ساله و دیپلمه است که با سه نفر از بچه محل‌هایش در مشیریه گوشی‌قایی می‌کند. او در این باره می‌گوید: دوستی داشتم که دزد حرفه‌ای خانه‌ها بود اما سر قمار به من باخت و دعوا کردیم. از من کینه به دل گرفت و وقتی بابت سرقت خانه‌ها بازداشت شد، مرا به عنوان همدستش معرفی کرد که سر همین ۱۰ ماه در زندان بودم. بعد از آزادی با سه نفر از بچه محل‌ها و همکلاسی‌های دوران دبیرستان باند گوشی‌قایی تشکیل دادیم و از ساعت ۸ صبح تا ۱۱ در محله‌های مختلف گوشی‌قایی می‌کردیم. علاوه بر رهگذاران اگر شیشه خودروها پایین بود، دست‌مان را وارد می‌کردیم و گوشی‌ها را می‌بردیم. گوشی سامسونگ و شیائومی سرقت